



دیوار روحانی

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
حسن روحانی با کدام سیاست‌ها شکاف طبقاتی را افزایش داد و میان قشرهای مختلف جامعه دیوار کشید
نمودارهای مربوط به افزایش شکاف طبقاتی و کاهش سهم درآمد طبقات ضعیف در دولت‌های یازدهم و دوازدهم
پیاپی‌سازی سیاست‌های نئولیبرالی در برخی دولت‌ها
روند کاهش ضرب‌یب جینی پس از انقلاب را
در برهه‌هایی متوقف کرد

تیترهای امروز

رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی به تشریح اهداف لیست این شورا پرداخت

برای نجات اقتصاد ایران



انتخاب منتقدان سینما و روزنامه‌نگاران فرهنگی: «شنای پروانه»، «روز صفر» و «لباس شخصی»

رأی به قصه و قهرمان

کاخ سفید در بیانیه‌ای جدید با عقب‌نشینی از ادعای قبلی، مدعی شد ترور سردار سلیمانی به‌خاطر اقدامات گذشته ایران در عراق بوده است

رسوایی «فوری»

رئیس کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا: توجیه ترامپ برای ترور سلیمانی مزخرف است

ورود سامانه بارشی جدید به کشور و پیش‌بینی کاهش شدید دما

زمستان دارد می‌آید!

۵ روز بعد از بارش‌های اخیر، مسافران زیادی در راه مانده‌اند؛ راه روستاهای گیلان، کردستان اردبیل و سمنان مسدود است

یادداشت

گریه اراده، قدرت و عزت

حاج محمود تازی *

رهبر معظم انقلاب دیروز در دیدار مداحان با معظم‌له فرمودند: «گریه در مجالس شهیدان گریه ضعف نیست، گریه اراده است». گاهی این سؤال در ذهن عمومی نقش می‌بندد که آیا بر شهید گریه کنیم؟ آیا گریه بر شهید ضعف است؟ در این ارتباط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی فرمودند: گریه بر شهید گریه اراده است، گریه عزت است، گریه تبیین احساسات عالی یک انسان وسط میدان است. همین چند جمله کوتاه معنای گسترده‌ای دارد که راه را به پیروان راه شهیدان روشنایی نشان می‌دهد. حضرت امام خمینی فرمودند: گریه بر شهید ادامه دادن راه او است. پس می‌بینیم گریه بر شهید نعتها ضعف محسوب نمی‌شود بلکه بالعکس حضور گریه‌کننده بر شهید، آوردن او در وسط میدان است، تا او آینه راهی را که شهید به زیبایی ترسیم کرده است، ادامه دهد. گریه بر شهید برانگیختن احساسات یک انسان است که بر شهید می‌گرید و عزم رفتن به میدان همچون شهید را دارد. با نگاهی به تاریخ تشیع به درک این حقیقت می‌رسیم که مجلس شریف توسل و اشک بر اهل بیت علیهم‌السلام سبب زنده نگاه داشتن دین و احکام نورانی آن است، به معنای دیگر گریه بر شهید باعث احیای شیوه‌های دین‌پلوری در جامعه می‌شود. همان‌گونه که رهبر انقلاب فرمودند امروز تشیع جنازه شهید، مجلس عزای شهیدان، تکرار نام شهیدان عزاست، گریه هم در آن هست اما وسیله‌ای برای احساس عزت و احساس قدرت و احساس شجاعت است. به بیانی از امام خمینی اشاره می‌کنم که فرمودند: شهدا مظهر قدرت اسلامند. حال گریه بر شهید رونمایی از مظهر قدرت اسلام است، یعنی این شهید است که با خون خود درخت اسلام را بارور و تناور ساخته است و اشک‌های ما اب زلالی است که بر طراوت این درخت تنومند می‌افزاید. حضرت آیت‌الله العظمی خاتمی‌های همچنین در جایی فرمودند: قدرت عاطفه، قدرت عظیمی است، لذا ما را امر می‌کنند به گریستن، گریاندن و حادثه را تشریح کردن. وقتی به شهید گریه می‌کنیم، داریم با اهداف و آرمان شهید، با منش شهید و راه شهید میثاق می‌بندیم؛ میثاقی ناگسستنی. شیعه ۱۴۰۰ سال است بر شهیدان کربلا می‌گرید و این گریه، گریه ضعف نیست، اگر گریه ضعف بود، باید تا گریه حال از بین رفته باشیم، اگر هستیم یعنی قدرت داریم، پس معلوم می‌شود گریه به ما قدرت داده است. به هر روی، فرمایشات رهبر حکیم و فرهیخته انقلاب در دیدار سالانه مداحان اهل بیت(ع) با ایشان دارای نکات ارزشمندی است و امسال دل‌ها را متوجه این بخش عاطفی و عزتمند کردند که از گریه به شهید ابایی نداشته باشیم. ...

ادامه در صفحه ۲

حمید کامار: آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار نشان می‌دهد وضعیت نابرابری در طول مدیریت دولت موسوم به تدبیر و امید در کشور بدتر شده است. روند تغییرات شاخص جینی به عنوان معیاری برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد، این موضوع را تایید می‌کند. شاخص جینی که بین صفر تا یک (یا به عبارت دیگر صفر تا ۱۰۰) تعریف می‌شود، هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر در توزیع درآمد و در نتیجه نابرابری کمتر است. در مقابل هرچه عدد این شاخص بزرگ‌تر باشد، یعنی توزیع درآمد در جامعه ناعادلانه‌تر است. بنا بر اعلام مرکز آمار، شاخص جینی در دولت روحانی هر ساله افزایش داشته است. به بیان دقیق‌تر شاخص جینی که سال ۹۲ در بهترین وضعیت دولت پیشین مشاهده یعنی معادل ۳۶/۵ درصد بود، با روندی صعودی به ۴۱ درصد در سال رسید.

تغییر مسیر شاخص‌های نابرابری از سال ۹۲ به این سو، به وضوح نشانگر تاثیر تغییر دولت و جایگزین شدن گفتمان کاملا متفاوت (و در بسیاری موارد متضاد) با گفتمان دولت پیشین است؛ موضوعی که نمود آن را می‌توان در ماه‌های آغازین دولت تدبیر در نفی همه‌جانبه عملکرد دولت پیشین مشاهده کرد. ریشه‌یابی علل تشدید شکاف طبقاتی در دولت روحانی، تاثیر عملکرد دولت کنونی و گفتمان مدیریتی آن را روشن‌تر می‌کند، هر چند اشاره متن حاضر به عملکرد دولت، نافی ناکارآمدی مجلس و همراهی آن

با سیاست‌های مخرب دولت نیست. به طور کلی ۳ دسته از اقدامات دولت کنونی به تشدید شکاف طبقاتی در جامعه انجامیده است.

توقف اقدامات حمایتی از قشر محروم

دولت تدبیر در حالی کار خود را مرداد سال ۹۲ آغاز کرد که از همان روز اول بر نفی عملکرد دولت قبل تاکید داشت و طرح‌های دولت پیشین را مخرب نامید؛ از جمله شاخص‌ترین مصادیق این موضوع، طرح مسکن مهر بود. این طرح که با هدف تامین مسکن خانوارهای کم‌درآمد کشور در سال ۸۷ اجرا شد، در مجموع بیش از ۴ میلیون مسکن جدید برای مردم تامین کرد. بر خورد سیاسی دولت تدبیر با طرح‌های دولت قبل اما کار را به جایی رساند که پروژه مسکن مهر با ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی تا مرداد ۹۲ هنوز تکمیل نشده باشد. افزایش چندباره قیمت واحدهای مسکونی این طرح در دولت تدبیر و دریافت مبالغ سنگین از متقاضیان آن از یک سو و قطع منابع مالی این طرح باعث شد تامین خانه متقاضیان مسکن مهر به درازا کشیده شود. بی‌مهری دولت تدبیر به طرح مسکن مهر در حالی بود که این دولت هیچ طرح مناسبی برای تامین مسکن اقشار کم‌درآمد پیش‌بینی نکرد. ۵ سال صدارت عباس آخوندی در راس وزارت مسکن‌سازی در حالی بود که وی بارها بر تکمیل نکردن طرح مسکن مهر تاکید کرد و از این بابت به خود می‌بالید. در نهایت با ۳ برابر شدن قیمت مسکن در کشور، دولت متوجه شکست سیاست‌های

خود شد تا جایی که آخوندی سال گذشته استعفا کرد و دولت مجبور به تکمیل باقیمانده مسکن مهر شد. از دیگر مصادیق متوقف شدن اقدامات حمایتی، توقف اجرای گام‌های بعدی طرح هدفمندی یارانه‌ها بود. طرح هدفمندی و پرداخت یارانه به مردم هم از حملات دولت فعلی در امان نبود تا جایی که پرداخت یارانه به مردم از سوی علی‌طیبنیا، وزیر اقتصاد پیشین دولت روحانی، شب عزای دولت تعبیر شد. در نتیجه این دیدگاه، دولت در سال‌های ۹۲ و ۹۴ اقدام به افزایش قیمت بنزین کرد، بدون آنکه دریافتی مردم از یارانه‌ها را افزایش دهد.

توقف اصلاح ساختارهای اقتصادی

از جمله عواملی که به تشدید شکاف طبقاتی در دولت روحانی انجامید، بی‌عملی دولت در اصلاح ساختارهای اقتصادی بود. انفعال دولت در حوزه اقتصاد داخل و گره زدن سرنوشت اقتصاد کشور به سرانجام مذاکرات، علاوه بر آسیب‌پذیرتر شدن اقتصاد در مقابل تحریم‌ها، باعث تشدید شکاف طبقاتی و تشدید فشار بر طبقات متوسط و پایین‌تر جامعه شد. شاخص‌ترین مصادیق این موضوع را می‌توان در انفعال دولت در اصلاح ساختار مالیاتی کشور دید. ساماندهی معافیت‌ها، هوشمندسازی مالیات‌ستانی برای جلوگیری از فرار مالیاتی، انتقال بار مالیاتی به اقشار ثروتمندتر جامعه از طریق وضع مالیات‌هایی نظیر مالیات بر ثروت، مالیات بر سیرده‌های میلیاردی و وضع مالیات‌های تنظیم‌گری نظیر مالیات بر خانه‌های

خالی و عایدی سرمایه از جمله اقداماتی بود که دولت روحانی در طول سال‌های گذشته به بهانه‌های واهی اجرا نکرد.

اقدام اصلاحی دیگر در حوزه اقتصاد، شفاف شدن ساختارهای اقتصاد به منظور مقابله با فساد و سوءاستفاده‌های اقتصادی بود که باز هم با بی‌توجهی دولت مواجه شد. شاید واضح‌ترین مصادیق این موضوع را می‌توان در موضوع حذف یارانه ثروتمندان در سال ۹۲ دید؛ جایی که حسن روحانی از بررسی وضعیت اقتصادی مردم به بهانه «حريم شخصی خواند که حساب‌های مردم» ممانعت کرد و باعث شد ثروتمندان همچنان سر سفره یارانه‌ها بمانند. روحانی در حالی حساب‌های بانکی مردم را حریم شخصی خواند که بسیاری از نهادهای دولتی هر روز با این حساب‌ها سر و کار داشته و اطلاعات آن را در اختیار دارند. بهانه عوام‌فریبانه روحانی عملا مانع شفاف شدن وضعیت مالی مردم و در نتیجه سد عادلانه شدن پرداخت یارانه‌ها شد.

توزیع رانت میان ثروتمندان

از دیگر عوامل تشدیدکننده شکاف طبقاتی در دولت روحانی، اجرای طرح‌هایی بود که به توزیع رانت‌های بزرگ میان قشر محدود ثروتمندان انجامید. شاخص‌ترین این طرح‌ها، «طرح تحول سلامت» و «پرداخت ارز دولتی با نرخ ۴۲۰۰ تومان» به اقشار ثروتمند جامعه بود. طرح تحول سلامت که با هدف «بیمه همگانی» و «حذف زیرمیزی پزشکان» اجرا

شد، با صرف دهه‌ها هزار میلیارد تومان از بودجه کشور طی سال‌های گذشته، در نهایت شکست خورد. پس از این بود که سعید نمکی برای کنترل هزینه‌های افسارگسیخته آن، جانشین قاضی‌زاده هاشمی شد. بودجه‌های کلان طرح تحول سلامت در نبود نظارت صحیح، به جیب جامعه پزشکی رفت و تا آنجا ادامه یافت که بدهی بیمه‌ها به داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها سر به فلک کشید و بسیاری از آنها را به مرز فروپاشی کشاند.

طرح جنجالی دیگر هم، اعطای ارز دولتی با نرخ ۴۲۰۰ تومان به واردکنندگان به بهانه کنترل قیمت کالاها بود. در قالب این طرح که از فروردین ۹۷ آغاز شد، تاکنون میلیاردها دلار ارز ارزان قیمت به برخی افراد خاص داده شده تا از افزایش قیمت کالاها جلوگیری شود. این در حالی است که گزارش‌های متعدد مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد توزیع ارز دولتی برای کنترل قیمت‌ها مدت‌هاست شکست خورده و نتیجه‌ای جز هدررفت ذخایر ارزی کشور ندارد. آخرین مورد این طرح، اختصاص ۱۰/۵ میلیارد دلار ارز دولتی برای واردات کالاها اساسی در لایحه بودجه سال ۹۹ است؛ اقدامی که در صورت تصویب مجلس و تبدیل آن به قانون، دهه‌ها هزار میلیارد تومان ثروت کشور را بدون هیچ دستاورد خاصی آن هم در لوج تنگنای ارزی کشور، به جیب سرمایه‌داران خواهد ریخت.

صفحه ۵ را بخوانید

کشور کمک کند. در این میان باید به این نکته دقت کرد که گسترش فرهنگ حضور پس‌اندازها در بازار سرمایه یک پروسه بلندمدت است که در گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم و در مقطعی مردم به سمت بورس تمایل پیدا کرده‌اند اما متأسفانه به دلیل عملکرد دولت‌ها، نقدینگی حاضر در بورس به یک‌جبار به بورس خارج شده و به سمت سایر بازارها (مسکن، ارز و طلا) رفته است.

راهکار چیست؟

در این شرایط، نیازمند افزایش آشنایی شهروندان با بازار سرمایه و ایجاد یک نگاه بلندمدت برای سرمایه‌گذاری در بورس به جای نگاه مقطعی و سفته‌بازانه‌ایم. تحقق این ۲ موضوع نیازمند افزایش سواد و آگاهی شهروندان نسبت به بازار سرمایه و تغییر در برخی قوانین بورس است. در کنار این موضوع باید اذعان داشت تهیه صورتحساب سود و زیان و ترازنامه شرکت‌ها به راحتی و خیلی زود قابل تهیه است. روند درست سوددهی در بورس این است که بعد از پایان بازرسی‌های لازم، انتشار صورت‌های مالی و... در ازای هر سهم ۱۱ درصد سود منطبق با سوددهی واقعی آن شرکت پرداخت شود.

بورسی که آینه تمام‌نمای اقتصاد نیست

غیرواقعی و دلایلی از این قبیل با قیمت ۱۲۰ ریال فروخته می‌شود، آیا اتفاقی واقعی در وضعیت تولید آن شرکت بورسی رخ داده یا افزایش قیمت‌ها به دلیل وجود عده‌ای سفته‌باز در بازار است که با مدیریت بازار، سهام شرکت‌ها را خرید و فروش می‌کنند؟ چطور ممکن است در ۲ هفته قیمت سهم یک شرکت رشد ۲۰ درصدی داشته باشد؟ آیا واقعا عملکرد (تولید) این شرکت در ۲ هفته ۲۰ درصد افزایش داشته است؟ پاسخ بسیار ساده است: در این فرآیند تنها اتفاقی که رخ داده تبدیل m1 به m2 است. در نتیجه وقتی تعداد این معاملات افزایش یابد حجم عظیمی از پول که هیچ زحمتی نیز برای آن کشیده نشده و تولیدی برای آن وجود ندارد، خلق می‌شود و این همان خلق نقدینگی این بار در بازار سرمایه به جای نظام بانکی است. برای همین نیز شاهدیم بورس ایران با ارزشی چندده میلیارد دلاری نقش متناسبی در تولید و رشد اقتصادی کشور ندارد.

نگاه معتقد است حداکثر زمان برای رسیدن به بازدهی در بازار سرمایه یک سال است. از این رو کاهش یا افزایش مقطعی قیمت‌ها در بورس برای این افراد مهم و در تصمیم‌گیری آنها تاثیرگذار است؛ به نحوی که این افراد کاهش یا افزایش قیمت‌ها در بورس را بدون توجه به شاخص‌هایی چون رشد اقتصادی و وضعیت اشتغال رصد کرده و روند حرکتی شاخص بورس را تافته جدا بافته‌ای از اقتصاد ملی می‌دانند.

۲- افزایش غیرواقعی قیمت‌ها: بورس در ایران شباهت زیادی به نظام بانکداری‌مان دارد. همانطور که در نظام بانکداری ما تحت عنوان سود علی‌الحساب سودهای قطعی پرداخت می‌شود که در نهایت به افزایش عملیات‌های صوری و سودهای موهوم می‌انجامد، بورس و افزایش قیمت‌ها در بازار سرمایه نیز همین‌طور بی‌قاعده و غیرواقعی است. سوال ابتدایی این است: وقتی ارزش واقعی سهمی در بازار ۱۰۰ ریال بوده اما به واسطه هجوم نقدینگی و افزایش تقاضا یا تبلیغات

نکته

میثم مهرپور: در ماه‌های اخیر شاخص بورس رکوردهای عجیبی را

شکسته و به بالاترین حد ممکن در تاریخ تشکیل خود رسیده است؛ چنانکه طبق آمار منتشر شده، شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در ۹ ماه ابتدایی سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲۶ درصد رشد داشته است. از طرفی بورس را آینه تمام‌نمای اقتصاد یک کشور می‌دانند. اگرچه می‌توان عواملی چون رشد نقدینگی، جا ماندن بورس از تورم و افزایش تمایل حضور پس‌اندازها در بورس به جای بازارهای موازی را از مهم‌ترین دلایل این جهش دانست اما طبیعتاً و بر اساس قاعده، با افزایش رشد شاخص بورس این موضوع باید خودش را در اقتصاد ملی و بویژه در تولید و رشد اقتصادی نیز نشان دهد ولی شواهد گویای این ماجرا نیست؛ شاخص‌ها در حال رکوردشکنی است اما رشد با اهداف و وضعیت نامناسبی قرار دارد. برای تشریح دلایل این موضوع ذکر چند نکته ضروری است.

۱- نگاه کوتاه‌مدت به بازار سرمایه: نگاه کوتاه‌مدت و غیرجامع (سازماتی و مقطعی) به بازار سرمایه را می‌توان یکی از نقاط ضعف بورس در اقتصاد ایران دانست. این

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۳۳۱